

کنیز فاطمه

پاکستان

مؤسس پاکستان

شرح زندگی و موفقیت‌های قائد اعظم
محمدعلی جناح - مؤسس پاکستان

قائد اعظم نابغه فراگیرنده‌ای بود که خود را بعنوان شخصی قانونی و حقوق‌دان، رهبر مردم سیاستمداری مرز و تابع کشور خود از همه بالاتر بعنوان شخصی دارای صفات و کردار اختصاصی معرفی و مشخص نمود.

قائد اعظم در آواخر قرن گذشته. بعد از اخذ درجه وکیل قانونی در لندن که در آنجا در دانشکده حقوق لینکلن این ترمهای تحصیلی خود را بعنوان دانشجوی حقوق بی پایه تکمیل رسانیده بود. به میهن خود مراجعت نمود. طی خطابه در انجمن و کلاسی کراچی در سال ۱۹۴۷ میلادی. آقای جناح بدین یاد آور شد. « من در لینکلن این بدین جهت نام نویسی کردم که در روی سردر آن اسم گرامی حضرت پیغمبر اکرم (ص) در فهرست قانون گذاران بزرگ جهان نوشته شده بود». پدر گرامی قائد اعظم در آن موقع بعنوان تاجری در کراچی بسر میبرد و طبیعی بود که پسر کار و پیشه و کالت خود را در همان شهر آغاز نماید.

دادگاه‌هایی واقع در کراچی در آنروزها تابع و زیر دست دادگاه‌هایی واقع در شهر بمبئی بوده و محمدعلی جناح جوان بزودی درک نمود که فرصت‌های زیادی جهت نشان دادن و بکار بردن نبوغ و استعداد حرفه‌ای وی

در مقام مفایسه بفرصت‌هایی مهیا در شهر و جای تولد خویش. در صحنه‌های بزرگ قانونی در انتظار وی میباشند. وی تصمیم بر این گرفت که رهسپار بمبئی شود و آتیه خود را مشخص و تعیین نماید. اتخاذ این تصمیم برای جوانی بسیار دشوار بلکه شهامت‌مندانه بود زیرا که وی در آن شهر اشخاصی انگشت‌شمار را میشناخت و عملاً دارای هیچ وسیله‌ای نبود. تعدادی از دوستان و بزرگان وی کوشش نمودند او را از این اقدام خطرناک باز بدارند و اصرار ورزیدند که تلاشهای خود را در شهر کراچی ادامه بدهد. ولی تصمیم وی راسخ بود که بعد از فکری عمیق و دقیق آنرا گرفته بود بهمین جهت از آن تصمیم و اراده راسخ خویش منصرف نشد.

در واقع این از یکی از صفات خصوصیتی قائد اعظم بود. ما او را در سالیان بعدی بلوغ و کماک عقلانی خویش مشاهده میکنیم که به میایونها نفر از پیروان خود اعلام میدارد که پیش از آنکه تصمیم بگیرند صدبار فکر کنند و همینکه یکبار نصیمی را اتخاذ نمودند دیگر هیچ جای برگشت و ارتجاع از آن وجود ندارد.

وی در یک حالت انزوائی و به تنهایی وارد شهر بمبئی گردید. و بکمک و وسیله یکی از دو دوستان خانواده خویش اجازه آنرا بدست آورد که مطالعه خود را در اطاقهای آقای میکفرسون یکنفر انگلیسی که در آن موقع مدعی العموم حوزه بمبئی بود. ادامه بدهد. در آن زمان این امتیازی مهذب بود زیرا که محال بود یکنفر بومی با یک عضو برجسته و سرشناس از طبقه حکمرانان تماسهای مستقیم و نزدیکی را داشته باشد در عین حال کار مطالعه کار سودمندی

نمود. محمدعلی جناح برای مدت سه سال انتظار آنرا کشید که يك محاکمه را بدست آورد. این يك کار خسته کننده صبر و شکیبائی بود و بازهم او از تصمیم راسخ و خلل ناپذیر خویش منصرف نشد.

آیا او نمی توانست شغل دیگری را اختیار نماید؟ نخیر - روزی خود در این باره چنین گفت. «وقتیکه در باره اختیار نمودن پیشه ای تصمیم میگیرید باید تا پایان کار آنرا تعقیب نمائید زیرا که در صورت غیر نمودن شغل خود. باید از آغاز فعالیت نمائید و در اینصورت جهت بدست آوردن وضع قبلی باید برای مدتی انتظار داشته باشید. و چون دو دل میشوید و توجه شما تقسیم میگردد. تمام کوششهای گذشته که بعمل آمده برای همیشه بهدر خواهد رفت «سپس وی باچشمانی براق و یقین محکم اعلام نموده در زندگانی بشر پیش آمدهائی روی میدهند. شما باید برای آن منتظر باشید. همین که وی این کلمات را بیان نمود چشمان وی بسته شد مثل اینکه وارد دورانی گذشته شده است که در آن موقع به محل کار خود پیاده میرفت و بر میگشت زیرا که در جیب خود دهشاهی هم نداشت که گزایه سواری را بپردازد.

سرانجام. روزی خوش اقبالی به او سرزد و آنهم در موقعی بود که گفته خوده آرزوی وی جهت بدست آوردن فرصتی برای انجام محاکمه ای از حد و مرز گذشته بوده. يك پست دادرس خالی شده بود. محمدعلی جناح یکبار دیگر تصمیمی را گرفت و بعمل بسیار شگفت آور مصرفی خویش و کوشش شخصی که مجال بیان نمودن تفصیل آن در اینجا میسر نمی باشد. وی پست بسیار مهمی را بدست آورد. بدینطریق بطور استعجاب آور. وکیل بسیار ماهر و با

استعداد سالهای آینده. زندگانی قانونی و حقوقی خود را بعنوان يك قاضی حقایق و دلایل آغاز نمود. کسانی که تماسهای نزدیک و مستقیمی با قاندا اعظم داشتند توانستند که همواره بکنوع ترکیب و اتصال قابل ملاحظه‌ای بین اشتیاق وی برای درك و تفهیم نقطه‌های نظردیگران و نیرو و استعداد وی در موقع استلال و بحث و مباحثه در حین زندگانش با مردم و مذاکرات سیاسی مشاهده نمایند تشخیص دهند. کار و و فعالیت وی برای شش ماه بعنوان دادرس برای او کافی بود. لکن حتی در طی این مدت کوتاه. وی آزادی فکر و مناعت و شرافت نفس راحتی با وجود اینکه استفاد کردن از آن بعلت وضع و موقعیت اداری وی محدود میشد. بعد افراط و ببادقت زیاد برقرار داشت. قضیه‌هایی چند را با اطلاع وی رسانید. که در آن اشخاصی علاقمند از طرف پلیس و مدیریت کوششهایی را انجام دادند که موافقی را در راه جریان منظم و مرتب دادگری ایجاد نمایند و با اعضای بی‌گناه جامعه را جهت منافع و استفاده خود گیراندازند. محمد علی جناح سخت‌ترین مخالف اینگونه فعالیت‌ها بود و شخصی بود که ضد اینگونه فعالیت‌ها بود و شخصی بود که اینگونه بی‌اعتنائی‌ها از حکمرانی قانون را متحمل نمیشد و در مواقعی که توانست از دادن پند و نصایح دریغ نمیکرد. از آن پیش‌تر اینگونه روش بی‌غرضانه و از تعصب در امور دادگری و آشکار سازی حاکمیت اداری بندرت دیده و شنیده میشد. وی در حقیقت فصل نوینی را آغاز نموده بود که از آن وقت بعد در تاریخ و وقایع دادگاههای شهر بمبئی آشکار می‌باشد.